

## دکتر حسین فاطمی

(۲)

مطلب زیر نوشته آقای دکتر منصور بیات زاده است که در سومین سالگرد تیرباران زنده یاد دکتر حسین فاطمی توسط دژخیمان دربار محمد رضا شاه پهلوی در صفحه های ۳ تا ۶ شماره ۳ نشریه جنبش سوسیالیستی در دیماه سال ۱۳۶۳ برابر با ۱۹۸۵ میلادی منتشر شده است. از پژوهشگر گرامی آقای دکتر منصور بیات زاده به خاطر ارسال این مطلب و ابراز علاقه و توجه به تارنمای [www.chebayadkard.com](http://www.chebayadkard.com) در رابطه با انتشار تاریخچه و اسناد نهضت ملی ایران تشکر می کنیم و از راهنمایی ها و همکاری ایشان بی اندازه سپاسگزاریم.

از طرف دست اندرکاران تارنمای "چه باید کرد؟"

محمد حسینی

### جنبش سوسیالیستی

## دکتر حسین فاطمی ، یک سوسیالیست مستقل ایرانی

" ما از واغنگتن ولندن و مسکو نمیخواهیم تصدیق و تظنیرستی بگیریم .  
ما از روز اول میدانستیم که هر وقت پای منفعت مملکت پیش  
بیاید که پای یک اجنبی نیز در میان باشد، آن بیگانه خواه شمالی  
یا جنوبی، یا یزیدگه دنیائی باشد، درصدد انتقام و مبارزه برمیاید."  
دکتر حسین فاطمی

۲۹ آبانماه ۱۳۳۲ سال مصاف بود باسی امین سالگرد تیرباران و شهادت دکتر حسین فاطمی ، وزیر امور خارجه دولت ملی دکتر محمد مصدق . رژیم زائیده کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ کوشید با اعدام این سوسیالیست انقلابی انتقام خود را از کلیه کسانی بگیرد که طی آن سالها باجراست و شهادت کوشیدند ماهیت ارتجاعی دربار پهلوی را برای مردم ایران آشکار سازند . دکتر حسین فاطمی از طریق روزنامه " باخترا امروز " افتخار دربار پهلوی را به مثابه " کانون ارتجاع داخلی و وابسته با مبریا لیسیم " وظیفه میرم خود میدانست و سرانجام نیز در مبارزه با این " کانون فساد " جان شیرین خود را از دست داد و شربت شهادت نوشید .

رژیم کودتا برای " اعدام " این فرزند خلف زحمتکشان ایران هیچ گونه " مجوز قانونی " در اختیار نداشت . دکتر حسین فاطمی برعکس شاه که نائما قانون اساسی را با اعمال میساخت و بجای " سلطنت " میکوشید " حکومت " کند ، در چهارچوب قانون دربار فاسد پهلوی به مبارزه برخاست و هیچگاه نیز از حیطه قانون اساسی و مدنی کشور با بیرون ننهاد . رژیم کودتا مردی را بجوخه اعدام سپرد که در محدوده قوانین کشور علیه دربار فاسد و وابسته به بیگانه مبارزه کرده بود . دکتر حسین فاطمی تنها عضو کابینه دکتر مصدق بود که اعدام شد . شاه با این دلیل حکم اعدام او را صادر کرده ، زیرا که دکتر حسین فاطمی مصمم ترین عضو کابینه دکتر محمد مصدق بود که پس از کودتای نافرجام ۲۵ مرداد شعار سرنگونی دربار پهلوی را و آنهم با این دلیل که دربار با انجام این کودتا به قانون شکنی های خود عمقی تازه داده بود ، با قاطعیت مطرح کرد . او پس از آنکه از بازداشتگاه کودتاچیان ۲۵ مرداد آزاد شد ، در تظاهرات باشکوهی که در میدان بهارستان تشکیل شده بود ، شرکت نمود و علنا " ابراز زداعت که دوران حکومت سلسله پهلوی بسر رسیده است " و گفت :

" هموطنان امروز شما باید دست بدست فرزند رشید وطن، دکتر محمد مصدق بدهید و برای ایران نو، ایران آباد، ایران دور از تحریکات اجنبی، طرح آینده را بریزید."

دکتر فاطمی برای این پندار بود که چون سلطنت علییه دولت قانونی توطئه کرده است و به طور آشکار قانونشکن گشته است، دیگر نمیتواند با سدار قانون اساسی باشد. بهمین دلیل او میپنداشت که با ایجاد یک جمهوری برهبری دکتر مصدق میتوان ایران را از زیر نفوذ کشورهای آذطلب خارجی بیرون آورد و ثروتها ی طبیعی این کشور را صرف بهبود زندگی زحمتکشان ایران نمود.

علاوه بر نقش عظیمی که دکتر فاطمی در جنبش ملی کردن صنایع نفت بازی کرده، او چون سوسیالیستی انقلابی بوده، در طیف جنبش سوسیالیستی آنروز ایران نیز نقشی بی همتا ایفا نمود. شناخت ابعاد این نقش آنطور که باید و شاید توسط سوسیالیست های مستقل ایران هنوز انجام نگرفته است. با اینحال میتوان گفت که دکتر حسین فاطمی در افشای سیاست وابسته بشوروی حزب توده نقشی بسیار بزرگ داشته است. در آن زمان که حزب توده در برابر سیاست " موازنه منفی" دکتر مصدق، سیاست " موازنه مثبت" را علم کرد و رهبران این حزب نوشتند که:

"... بهمین ترتیب که ما برای انگلستان در ایران منافع قائلیم و بر علیه آن صحبتی نمیکنیم، باید معترف باشیم که دولت شوروی هم از لحاظ امنیت خود در ایران منافع جدی دارد."

دکتر حسین فاطمی علیه چنین سیاستی قد برافراشت و با مبارزه ای پیگیر نشان داد که سوسیالیست های ایران باید در وهله نخست با استقلال اقتصادی و سیاسی ایران فکـر کنند و در این راه مبارزه نمایند. و کوشید برای کارگران ایران آشکار سازد که دولت اتحاد جماهیر شوروی نیز نمیتواند دایه مهربان تر از ما در باشد و بیشتر از خود مردم ایران برای این ملت " دلسوزی" کند. دکتر فاطمی با دفاع قاطع از " موازنه منفی" دکتر مصدق با فضا سیاست " کلنیا لیستی" دولت شوروی پرداخت و با نوشتن مقالاتی چون " برای آقای کافتارادزه ترجمه کنید" و " آقای ساچپکف اینجا از بکستان نیست"، که در آنها از سیاست خارجی دولت شوروی پرده برداشته بود و آشکار ساخته بود که این سیاست با " سوسیالیسم" سر و کاری ندارد و ادامه سیاست خارجی " تزاریسم" است، بارها بجرم اختلال در دوستی ایران و شوروی به زندان افتاد.

در عین حال دکتر حسین فاطمی کوشید برای زحمتکشان ایران آشکار سازد که هم نیرو های مرتجع و هم حزب توده با ایجاد سازمانهای کارگری وابسته بخود میخواهند جنبش کارگری ایران را با نحراف بکشانند و این جنبش را مورد سوء استفاده قرار دهند. و در سر مقاله باختر امروز ۱۲ اردیبهشت ۱۳۲۹ در رابطه با روز جهانی کارگران نوشت:

" این روز در حقیقت روز وحدت کارگران و روزی است که تیپ رنجبر در هر گوشه گیتی که قرار دارد، از راه همدردی و تشریک مساعی از برادران محروم خود یا دمیکند. یکی از خواص قرن بیستم پیشرفت حیرت آور افکار سوسیالیستی است. سرمایه داری در دو قرن اخیر حتی در

اروپا که آثار و یادگارهایی از خود بجا گذاشته است، مورد نفرت و انزجار جوامع بشری قرار گرفت ۱۰۰۰ اروپا نیز در دقایق آخر قرن نوزدهم و روزهای اول قرن بیستم از کلمه سوسیالیسم میترسیده، از انتشار این فکر سخت بوحشت افتاده بوده، زیرا منافع سرمایه داران و میلیونها ی گردن کلفت مورد مخاطره و تهدید قرار داشت ۰

دکتر فاطمی بارها از سوسیالیسم پشتیبانی نمود، منتهی "قبله" جنبش کارگری ایران را در مسکو جستجو نکرد و بر این باور نبود که چون در شوروی "دولت کارگری" وجود دارد، الزاماً این دولت در رابطه با ایران از منافع کارگران ایران نیز دفاع خواهد کرد. برعکس، دکتر فاطمی بر این باور بود که احزابی از نوع حزب توده که خود را با اصطلاح "انترناسیونالیست" میدانستند و بر مبنی منطق استالین که گفته بود "انترناسیونالیست کسی است که بدون چون و چرا از اتحاد شوروی دفاع کند"، وظیفه خود میدانستند از هر سیاستی که شوروی مطرح میکرد "بی چون و چرا" پشتیبانی کنند. و در واقع با اتخاذ سیاست دنباله روی کورکورانه لطعات بزرگی متوجه جنبش کارگری جهان نمودند و بر مبنی همین سیاست بود که حزب توده عملاً بر جنبش کارگری ایران صد مسات جبران نا پذیری وارد ساخته و "۰۰۰ برای سالیان دراز نهضت کارگری ایران را فلج نمود". دکتر فاطمی در برابر تجا و زات دولتها ی ارتجاعی به حقوق کارگران و دیگر رنجبران کشور گفت: "اگر دولت میخواهد با این ژست بیما یه وسیک خویش با زهم بدنیا بگوید که هر نهضت کارگری را در حین ظهور خواهد کشت، در اشتباه محض گرفتار است. شما نمیتوانید بیش از این زندانها را پر کنید، قادر نخواهید بود که برای ارضای مثنی سرمایه داره فتودال قاچاقچی و محترک و برای اینکه چند جوجه اشراف از خون کارگران ایران ارتزاق نمایند، سد راه جنبش طبقه رنجبر و زحمتکش ایران بشوید".

او در مقاله دیگری یاد آور میشود که چنین تلاشهایی "ممکن نیست قدرت داشته باشند و سد راه سوسیالیسم و نهضت کارگری ایران بشوند".

دکتر حسین فاطمی در کنار خلیل ملکی، دکتر ارانی و تعداد دیگری از شخصیت‌هایی که بخاطر تحقق جنبش مستقل سوسیالیستی و کارگری ایران تلاش نمودند، مقام شامخ خود را در تاریخ معاصر ایران خواهد داشت و جنبش کارگری ایران هرگز خاطره تابناک این شخصیت‌ها را زیاد نخواهد برد. جنبش مستقل کارگری ایران نیز با توجه به توشه راه این گونه عناصر مستقل و آزاداندیش میتواند قوام تاریخی خود را با بدو سر انجام براهی با نهد که در عین انترناسیونالیسم منافع و خواستهای ملی کارگران و زحمتکشان ایران را در مد نظر داشته باشد. تنها دریک چنین تلفیق دیا لکتیکی است که میتوان به جنبش کارگری ایران خدمتی شایسته نمود.